



تحلیل و مقایسه نقش و جایگاه تقصیر در مسئولیت کیفری و مدنی

سجاد نعمتی^۱

هرمز اسدی کوهباد^۲

چکیده

حقوق موضوعه ایران و عمده قواعد و قوانین حقوقی آن متأثر از نقش تقصیر در مسئولیت کیفری و مدنی است. از آنجایی که الزام شخص به پاسخ‌گویی در قبال تعرض به حقوق دیگران، خواه به جهت تعرض به حقوق مدنی یا کیفری صورت گیرد، پردازش نقش و جایگاه تقصیر در مسئولیت کیفری و مدنی نمایان می‌گردد. پژوهش با هدف تطبیق تقصیر در مسئولیت کیفری و مدنی و با روش توصیفی-تحلیلی در تلاش است تا نقاط افتراق و اشتراک تقصیر در مسئولیت کیفری و مدنی را بیان نماید. برآیند این که در ارتباط با اشتراک مسئولیت مدنی و کیفری با نقش پردازش تقصیر می‌توان بیان نمود وجود تقصیر یکی از شروط لازم برای تحقق مسئولیت کیفری و مدنی است. مضاف براین، موضوع جنایات شبه عمد نقطه اشتراک مسئولیت کیفری و مدنی محسوب می‌گردد. نقطه افتراق تقصیر در مسئولیت مدنی و کیفری به این صورت است که هر گاه تقصیر و بی‌احتیاطی و خطا در انجام رفتار شخص بر اثر ندانم کاری و عدم آگاهی باشد، مسئولیت به صورت کیفری خواهد بود و در این حالت شخص زیان دیده باید تقصیر زیان‌زننده را اثبات نماید و لیکن در جایی که در بین اشخاص، قراردادی موجود است در حوزه مسئولیت مدنی دیگر شخص متضرر از خسارت، نیازی به اثبات تقصیر ندارد و دارا بودن قرارداد بین طرفین افاقه می‌نماید و تقصیر به خودی خود اثبات شده تلقی می‌گردد.

کلید واژه‌ها: تقصیر، مسئولیت، مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، اهواز، ایران: nematisajad@gmail.com

۲- گروه حقوق، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران: asadi.koohbad@gmail.com



مقدمه

متأثر از نقش تقصیر در حقوق مدنی و کیفری و بر اساس قاعده کلی و الزامی هر کس زبانی به دیگری وارد نموده است، آن شخص ضامن خسارتی است که به بار آورده، و باید آن خسارت را جبران نماید. با وجود افتراق در نحوه آیین دادرسی در اثبات تقصیر در حقوق مدنی و کیفری باید بیان نمود که برخلاف مسئولیت مدنی که به محض اتلاف و ضرر توسط زیان‌زننده، مسئولیت محقق خواهد شد، در مسئولیت کیفری تا زمانی که جرم ثابت نشده باشد، کسی را نمی‌توان به ارتکاب جرم به مباشرت یا معاونت یا مشارکت مسئول دانست.

کلیت موضوع «تقصیر در مسئولیت مدنی» با «تقصیر در مسئولیت کیفری» با شباهت در تأثیر گذاری در مسئولیت و با افتراق آیین دادرسی باعث التفات به نحوه، چگونگی و گستره تقصیر در مسئولیت مدنی و کیفری گردیده است. لذا برای جلوگیری از اشتباه در تشخیص مبادی تصویری و گویایی حقیقت در مساله نیازمند تحقیقاتی است که با بررسی ابعاد فقهی و حقوقی، نحوه تأثیر گذاری و جایگاه تقصیر مشخص و خلاء موجود برطرف شود.

سیر مطالب نوشتار پیش رو به این گونه است که در ابتدا به تعریف فقهی و حقوقی "تقصیر" پرداخته و ضمن مفهوم‌شناسی و کاربرد تقصیر در مسئولیت مدنی و کیفری به تبیین، تشریح و مقایسه جایگاه آن در حقوق موضوعه ایران با محوریت نقاط اشتراک و افتراق تقصیر در مسئولیت مدنی و کیفری پرداخته می‌شود.

لذا تحقیق پیش‌رو، توصیفی-تحلیلی، و روش گردآوری اطلاعات مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است و تحلیل منابع موجود. و با امعان نظر از فقها و حقوقدانان در صدد هستیم تا موضوع را تبیین و تشریح نماییم؛ ابزار گردآوری اطلاعات از طریق فیش‌برداری، بانک‌های اطلاعاتی، شبکه‌های کامپیوتری و استفاده از نرم افزارهای تخصصی می‌باشد.

۱- مفهوم شناسی

در ابتدای پژوهش قصد داریم تا در ارتباط با مفهوم تقصیر از منظر فقه و حقوق ایران به عنوان محوریت اصلی تحقیق مطالبی را بیان نماییم.

۱-۱- مفهوم تقصیر

رجوع و احواله به ادبیات خاص و معنای لغت تقصیر، ما را با معانی زیادی روبرو می‌کند که هر کدام بر جنبه‌ای از تقصیر تاکید دارند که در ذیل به تبیین و تشریح آن خواهیم پرداخت.

۱-۱-۱- تعریف تقصیر در لغت

تقصیر در لغت به معنای اختصار، کوتاه‌سازی، مسامحه، کوتاهی، نقیصه، کاستی و فروگذاری آمده است. مقصر به معنای



کوتاهی کننده و وظیفه شناس عاجز، معنا شده است (ارجمند دانش، ۱۳۸۸ ش، ج ۱، ص ۱۵۳). تقصیر در حقوق جزا و در حوزه‌ی مسئولیت پذیری کیفری در لغت، به برخورداری کردن از انجام عملی گفته می‌شود (جبران، بی تا، ج ۲، ص ۱۱۸۱). همچنانکه در حقوق مدنی از واژه تقصیر بر ترك عملی که شخص ملزم به انجام آن است، تفریط و ارتکاب عملی که از انجام دادن آن منع شده است و تعدی نام برده شده است (باوی، ۱۳۹۳ ش، ص ۱۶).

۱-۱-۲- تعریف تقصیر در اصطلاح

واژه تقصیر همانند سایر پدیده‌های اجتماعی در حال تغییر است (کاتوزیان، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۸۹). واژه تقصیر به عنوان مبنای ضمان در موارد معین، در کتب دیات و غصب، فراوان استعمال شده، لیک تعریف مشخصی از آن نشده است و ظاهراً به خاطر روشنی و وضوح آن، شناسایی و معرفی آن به عرف و واگذار گردیده است. متفاهم عرفی از واژه تقصیر، تعدی و تفریط می‌باشد (بجنوردی، ۱۳۷۱ ش، ج ۲، ص ۵۰). در اصطلاح کنونی تقصیر یعنی کاری که توسط کسی انجام گردیده که عامل ورود ضرر به دیگری شده است، که این کار به صورت نامشروع و ناپسند در عرف و جامعه مورد توجه است و قابلیت انتساب به مرتکب را دارا می‌باشد (مازو، ۲۰۰۳ م، ج ۲، ص ۴۴۳). اگر بخواهیم تقصیر را در اصطلاح تعریف نماییم می‌توان سه دسته بندی ارائه نمود.

الف) تعریف‌هایی که بر اساس و مبنای مجازات خطاکار و ارزیابی فعل وارد کننده زیان تدوین شده است.

ب) تعریف‌هایی است که بر مبنای حمایت از حق و توزیع عادلانه آن انجام شده است، که هدف اصلی این است که حق

تلف شده در هر حال جبران شود، خواه این طرف عمدی باشد یا ناشی از تقصیر یا فعالیت مباح.

ج) تعریف‌های مبتنی بر فایده و ضرر کار انجام شده است که مصلحت گرایی و تدبیر در آن نقش اساسی دارد که در این

گروه تکیه بر نتیجه فعل است (کاتوزیان، ۱۳۸۸ ش، ص ۲۰۱). باید بیان نمود تعدی زمانی است کاری را که ترک آن کار لازم است را

انجام دهد و تفریط ترک عملی است که فعلش لازم است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۱۲۷۸). باید اظهار نمود که تقصیر از منظر

ماهیت را می‌توان در فعل و ترک فعل متصور شد (اصلاتی، ۱۳۸۴ ش، ص ۷۱). همچنین، از منظر حقوق دانان تقصیر عبارت است از

رفتار نمودن، آنگونه که باید رفتار شود یعنی انجام ندادن امری که باید انجام داده شود یا خودداری نمودن از امری که باید

خودداری شود (امامی، ۱۳۷۸ ش، ج ۱، ص ۱۴۵). همچنین گفته شده، تقصیر تعدی و تفریط از رفتار انسان متعارف در همان شرایط

خارجی وقوع حادثه یا رفتاری که شخص متعارف در شرایط آن قرار گیرد انجام نمی‌دهد (کاتوزیان، ۱۳۹۰ ش، ج ۱، ص ۱۹۱). قانون

مجازات اسلامی تقصیر را تعریف نکرده است. ماده ۳۳۶ ق.م.ا. ۱۳۷۰ بیان می‌داشت: تقصیر اعم است از بی احتیاطی، بی مبالاتی،

عدم مهارت عدم رعایت نظامات دولتی این تعریف این اشکال اساسی را داشت که عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی

مصدقی از بی احتیاطی و بی مبالاتی بوده و در عرض آن قرار نمی‌گیرد. در راستای حل این اشکال تبصره ماده ۱۴۵ ق.م.ا. ۱۳۹۲



مقرر می‌دارد: تقصیر اعم از بی احتیاطی و بی مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و... حسب مورد از مصادیق بی احتیاطی و بی مبالاتی محسوب می‌شود (اصلی، ۱۳۸۴ ش، ص ۷۱). تقصیر در معنای کاربردی و مفهومی همان رابطه روانی فاعل جرم است که بین فعل مجرمانه و فاعل جرم محقق می‌شود که به اصطلاح علم و آگاهی در ارتکاب جرم است (باوی، ۱۳۹۳ ش، ص ۱۶). علاوه بر قانون مجازات اسلامی، قانون مدنی در مواد ۹۵۱، ۹۵۲ و ۹۵۳ هر یک از تقصیر قراردادی و تقصیر قهری را تعریف نموده است (اصلی، ۱۳۸۴ ش، ص ۷۴).

۱-۲- مفهوم مسئولیت

ارتباط معنایی تقصیر و مسئولیت باعث گردیده در این قسمت از پژوهش به تبیین و تشریح آن جهت نیل به هدف تحقیق که شناخت جایگاه تقصیر در مسئولیت مدنی و کیفری پردازیم.

۱-۲-۱- تعریف مسئولیت در لغت

مسئولیت در لغت، به معنی پرسش، مورد سؤال واقع شدن و به مفهوم تفکیک وظیفه آمده است (عمید، ۱۳۵۷ ش، ص ۹۵). افزون بر این، مسئولیت در لغت به معنا مواخذه و بازخواست است و مسئول به کسی گفته می‌شود که از وی سؤال و بازخواست کنند. مسئولیت مصدر صناعی یا جعلی از مسؤل به معنای ضمانت، ضمان، تعهد، مواخذه، مسئولیت چیزی یا کسی بودن بر گردن او بردن آمده است (معین، ۱۳۸۷ ش، ذیل کلمه).

۱-۲-۲- تعریف مسئولیت در اصطلاح

مسئولیت در مفهوم عام به معنای تکلیف و وظیفه و آنچه که انسان عهده‌دار و مسؤل آن باشد، تعریف شده و شخص باید در برابر اعمال انجام شده توسط خود پاسخگو باشد. همچنین، مسئولیت در اصطلاح خاص حقوقی به تعهدی قانونی گفته می‌شود که شخص به دلیل ضرری که به دیگری وارد نموده است باید جبران نماید. خواه این اضرار ناشی از تقصیر و کوتاهی فعل یا ترک فعلی باشد و خود مستقیماً در امر اضرار نقش داشته باشد (جعفری لنگرودی، ج ۵، ص ۶۴). برخی معتقدند مسئولیت در اصطلاح حقوقی، تعهد قهری یا اختیاری شخص در مقابل دیگری است (خواه مالی باشد خواه غیرمالی). مسئولیت در حقوق بر دو قسم است: یکی مسئولیت جزائی و آن مسئولیتی است که قابل تقویم به پول نباشد، و دیگری مسئولیت مالی یا مسئولیت مدنی که مسئولیتی است قابل تقویم به پول. همچنین در زمینه تعریف و توضیح مسئولیت در ماده ۳۲۸ قانون مدنی به صراحت مقرر می‌دارد «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد، اعم از این که از روی عمد یا بدون عمد تلف کرده باشد یا عین باشد یا منفعت مال باشد و اگر آنرا ناقص یا معیوب کند ضامن قیمت آن مال است» (باوی، ۱۳۹۳ ش، ص ۴). بطور خلاصه، مسئولیت به جمیع اقدامات و حرکاتی می‌گویند که یک فرد در قبال شخص دیگر، بر مبنای توافق یا خارج از توافق



اقداماتی کند که باعث ورود خسارت به شخص شود. مسئولیت را در این قالب به دو دسته مسئولیت‌های قراردادی و غیرقراردادی در امر حقوقی و مسئولیت‌های کیفری در بحث جزا و جرم‌شناسی از یکدیگر تفکیک می‌گردند (شامبیاتی، ۱۳۷۵ش، ص ۱۵۰).

۱-۳- مفهوم مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی متأثر از واژه تقصیر است که در فقوق مطالبی بیان گردید. در این قسمت از پژوهش در صدد هستیم تا به تعریف مسئولیت مدنی نیز اشاره نماییم.

۱-۳-۱- تعریف مسئولیت مدنی

در مواردی که فرد ناگزیر از جبران خسارتی باشد که از لحاظ مادی به دیگری وارد کرده است، این گونه تعبیر می‌شود که وی مسئولیت مدنی دارد. مسئولیت مدنی در اصل ناشی از بی‌مبالاتی اشخاص است اما برای تحقق مسئولیت مدنی، ضرر باید وجود داشته باشد. هدف از قواعد مسئولیت مدنی، جبران ضرر است. لذا وجود ضرر به طور طبیعی مقدم بر جبران آن خواهد بود. در ماده یک قانون مسئولیت مدنی این گونه آمده است که «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد شده است، لطمه‌ای وارد کند که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است» (آشوری، ۱۳۹۱، ص ۲۹). باید بیان نمود که مسئولیت مدنی در معنای عام کلمه‌ی غصب، اتلاف، تسبیب، استیفای نامشروع و... را شامل می‌شود. لکن معنای اخص آن تنها اتلاف و تسبیب را در بر می‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۹ش، ص ۱۳۳). برخی محققان معتقدند آیات نفی ظلم در قرآن کریم می‌تواند به عنوان مبنای قرآنی مسئولیت مدنی قرار گیرد (جزیری، ۱۳۹۶ش، ص ۴۳). در واقع حقوق مسئولیت مدنی، به عنوان تأسیس حقوقی مستقل، به تمام مباحث و مصادیق جبران خسارت، به صورت یکجا و سازمان یافته می‌پردازد و حتی مواردی نظیر تکلیف به پرداخت و جبران خسارت معنوی را، که در فقه اسلامی جایگاه چندانی ندارد، در چارچوب این مباحث و شرایط کلی در بر می‌گیرد (بابایی، ۱۳۹۹ش، ص ۱۱).

۱-۳-۲- انواع مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی به دو شاخه‌ی قهری و قراردادی تقسیم می‌شود. مسئولیت مدنی قهری به نقض تعهدات قانونی یا عرفی شخص در عرصه اجتماع اختصاص دارد. مسئولیت مدنی قراردادی به جبران خسارت‌های ناشی از نقض تعهد قراردادی ناظر است (اصلانی، ۱۳۸۴ش، ص ۵۱). در این حالت است که می‌گویند طرف معامله نسبت به اجرای عقد سهل‌انگاری کرده و در اصطلاح تقصیر نموده است؛ یا به عبارتی شخص در وفای به عهد کوتاهی نموده است که با احراز واثبات تقصیر که در عدم ایفای تعهد ملموس و قابل اثبات است، ملزم به پرداخت خسارات وارده به طرف مقابل در معامله می‌باشد (باوی، ۱۳۹۳ش، ص ۵). از این رو،



دعای مسئولیت مدنی مرتبط با قراردادهای، عمدتاً باهدف الزام به اجرای کامل تعهد بوده و برای آن ضمانتهایی همچون حبس کالا و تعلیق تعهدات پیش‌بینی شده است. لازم به ذکر است که در دعای مسئولیت مدنی قهری، جبران خسارات مادی و معنوی ناشی از عمل زیان‌بار مورد بحث است. به این نوع مسئولیت ضمان قهری یا رویدادهای حقوقی یا الزامات خارج از قرارداد نیز می‌گویند (باوی، ۱۳۹۳، ص ۵/ کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۶۵). لذا اگر جبران عینی مال تلف‌شده ممکن باشد؛ در این مورد جز الزام به جبران مال، تعهدی دیگر بر عهده مدعی و متشاکی نیست. اما در غیراین صورت ملزم است که آثار سوء عمل خود را به صورت مالی جبران نماید (حیاتی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۳). اما در بخش دیگر هر دو نوع مسئولیت مدنی یکسان در نظر گرفته می‌شود (اصلانی، ۱۳۸۴، ص ۵۱).

۱-۴- مفهوم مسئولیت کیفری

بعد از مشخص شدن تعریف مسئولیت مدنی در این قسمت از پژوهش در تلاشیم تا بتوانیم تعریفی از مسئولیت کیفری ارائه نماییم.

۱-۴-۱- تعریف مسئولیت کیفری

در تعریف مسئولیت کیفری اختلاف نظرهای متفاوتی وجود دارد (باوی، ۱۳۹۳، ص ۱۴). بنابراین، در تعریف مسئولیت کیفری باید گفت که فرد به دلیل رفتارهای مجرمانه‌ای که از خود نشان می‌دهد، باید در مقابل قانون پاسخگو باشد و در چنین شرایطی ممکن است به تحمل مجازات‌های مقرر قانونی نیز محکوم شود. به عبارت دیگر، الزام شخص به پاسخگویی در قبال تعرض به دیگران، خواه به جهت حمایت از حقوق فردی صورت گیرد و خواه به منظور دفاع از جامعه، تحت عنوان «مسئولیت کیفری» یا «مسئولیت جزایی» مطرح می‌شود (باوی، ۱۳۹۳، ص ۱۴). در حقیقت، مسئولیت کیفری، نوعی الزام شخصی به پاسخگویی در برابر آثار و نتایج نامطلوب پدیده جزایی یا جرم است. تحقق مسئولیت کیفری منوط به اثبات اهلیت متهم مشتمل بر عقل، بلوغ، اختیار و علم بوده و فقدان عوامل مزبور، موجب عدم قابلیت انتساب جرم به متهم و در نتیجه عدم تحقق مسئولیت کیفری وی می‌شود (عباسی، ۱۳۹۷، ص ۴۹۵). از دیدگاه کیفری، ارتکاب جرم یا هر نوع تخطی از قوانین و مقررات جزایی به تنهایی و به خودی خود موجب مسئولیت کیفری نیست، بلکه برای این که مرتکب جرم را از نظر اخلاقی و اجتماعی مسئول و قابل سرزنش و مجازات بدانیم، لازم است که شرایطی با هم جمع شوند. بر این اساس، عمل مجرمانه‌ای که با اندیشه، قصد و میل مرتکب، در عالم خارج تحقق یافته است باید حاکی از سوءنیت مرتکب یا ناشی از خبط و خطای او باشد. هم‌چنین برای اینکه مرتکب جرم را مسئول بشناسیم، علاوه بر اراده ارتکاب و سوءنیت یا تقصیر جزایی، باید بین جرم انجام یافته و فاعل آن، قابلیت انتساب وجود داشته باشد یا به نوعی تبعات جزایی رفتار مجرمانه شخص بر او الزام یا تحمیل گردد (نبرای، ۱۳۸۹، ص ۲۱۷). به طور کلی، هر کسی که با علم و اطلاع دست به ارتکاب جرم می‌زند، لزوماً مسئول شناخته نمی‌شود، بلکه علاوه بر تحقق اراده ارتکاب



و سوءنیت یا تقصیر جزایی، باید دارای اهلیت و خصوصیات فردی متعارفی باشد تا بتوان وقوع جرم را به او نسبت داد. در نتیجه، زمانی، انسان از نظر کیفری مسئول شناخته می‌شود که مسبب حادثه‌ای باشد؛ یعنی بتوان آن حادثه را به او نسبت داد. بنابراین مسئولیت کیفری، محصول نسبت دادن و قابلیت انتساب است. مقصود از قابلیت انتساب آن است که بر مقامات قضایی معلوم شود که فاعل جرم، از نظر رشد جسمی، عقلی و نیروی اراده و اختیار، دارای آنچنان اهلیتی است که می‌توان رابطه علیت بین جرم انجام‌یافته و عامل آن برقرار کرد. در حقیقت مسئولیت کیفری از نتایج مستقیم انتساب جرم به فاعل آن احراز می‌شود و از این جهت به طور مختصر می‌توان گفت مسئولیت کیفری به معنای قابلیت انتساب عمل مجرمانه است (صانعی، ۱۳۴۸ ش، ص ۷۵).

۲-۴-۱- انواع مسئولیت کیفری

بطور کلی در متون حقوق جزایی مسئولیت کیفری به دو شاخه بالقوه و عینی تقسیم می‌گردد. در این مسئولیت شخص دارای اهلیت تحمل تبعات جزایی می‌باشد. یعنی شخص در مرحله ابتدایی و در زمان ارتکاب عمل مجرمانه این تشخیص داده می‌شود که اهلیت و توانایی و شایستگی تحمل عواقب و سزای مجازات جزایی عمل انجام شده را دارد یا نه و به همین دلیل است که شخص را مستحق مجازات مثلا حبس یا پرداخت دیه یا جزای نقدی می‌دانند (باوی، ۱۳۹۳ ش، ص ۱۷). جنبه و شقه‌ی دیگر مسئولیت کیفری، مسئولیت بالفعل یا واقعی می‌باشد که در این مرحله از مسئولیت کیفری، شخص در برابر رفتار مجرمانه‌ای که از او سرزده است در اینجا ناچارا و الزاما مجبور به تحمل تبعات جزایی جرم است که در اینجا است که می‌گویند شخص مسئولیت کیفری بالفعل یا عینی پیدا کرده است (عوضی، بی تا، ص ۴۱۶).

۴-۵-۱- افتراق مسئولیت مدنی و کیفری

قوانین مسئولیت مدنی و کیفری است که در هر جامعه‌ای برای متضررین از جرم و جنایت ثابت و پایدار می‌شود که به واسطه‌ی این قانون، افراد بتوانند به حقوق مادی و معنوی خود برسند. در این میان می‌توان گفت که مسئولیت مدنی و کیفری قاعدتا نهادی است که برای جبران خسارات و تسکین آلام زیان‌دیده در حوزه خسارات مادی و معنوی پایه‌گذاری و ثابت شده است. نهادی که شرایط و مقتضیات زمان و مکان آن را ثابت و لازم الاجرا می‌نماید (باوی، ۱۳۹۳ ش، ص ۱). ولی تفاوتی که در مسئولیت کیفری با مسئولیت مدنی وجود دارد، در شیوه آیین دادرسی آن است که برخلاف مسئولیت مدنی که به محض اتلاف و ضرر توسط زیان‌زننده، مسئولیت محقق خواهد شد. ولی در مسئولیت کیفری و به ویژه در حقوق جزا، تا زمانی که جرم ثابت نشده باشد، کسی را نمی‌توان به ارتکاب جرم به مباشرت یا معاونت یا مشارکت مسئول دانست و یا او را سبب این اتفاق معرفی نمود (باوی، ۱۳۹۳ ش، ص ۲). از دیگر تفاوت‌ها در مسئولیت کیفری ضرر و زیان وارده بیشتر متوجه جامعه می‌شود چون عمل ارتكابی شخص، محل نظم جامعه است و این بی نظمی باعث اضرار به دیگران است. در صورتی که در مسئولیت مدنی چون



عمل ارتكابی شخص مُخلّ نظم عمومی نیست. افزون بر این، هدف از مسئولیت، مسئولیت کیفری مجازات جرم است که به منظور دفاع از جامعه، پاسداری از نظم، جبران خسارت‌های عمومی، اصلاح و تنبه سایر افراد به مورد اجرا گذارده می‌شود، در حالی که هدف از مسئولیت مدنی صرفاً جبران خسارات شخص زیان دیده است. مضاف بر این، احراز و اثبات مسئولیت کیفری نیازمند عمیق به شخصیت بزه کار است. اما در مسئولیت مدنی، رفتار و هویت شخص از نظر عرف مورد ملاک و محاسبه خواهد بود (ولیدی، ۱۳۸۸ش، ص ۲۴۴). مراحل کشف و رسیدگی و تعقیب جرم در امور کیفری به وسیله ضابطان دادگستری و مقامات دادسرا انجام خواهد شد، در حالی که مراحل رسیدگی و تشریفات قضایی در امور مدنی با ارایه طرح دعوا در دادگاه حقوقی قابل رسیدگی می‌باشد (باوی، ۱۳۹۳ش، ص ۱۸). به طور کلی می‌توان از این موضوعات چنین نتیجه گرفت که در مسئولیت مدنی گاهی ممکن است پیش بیاید و تصور شود که کسی که به عنوان تقصیر کار و مسئول جبران خسارات وارده است، تقصیری از اوسرنزده باشد. ولی براساس مناسبات خصوصی افراد آن شخص را به عنوان زیان زنده قلمداد کنند که در این صورت علی القاعده باید جبران خسارت وارده را بنماید (باوی، ۱۳۹۳ش، ص ۳).

۲- جایگاه و نقش تقصیر در مسئولیت مدنی

در این قسمت از پژوهش قصد داریم تا در ارتباط با تبیین تقصیر در مسئولیت مدنی از منظر فقه و حقوق ایران مطالبی را بیان نماییم.

۲-۱- تبیین تقصیر در مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی هنوز هم از قید عامل تقصیر رها نشده است و در حقوق بیشتر کشورها قاعده عمومی این است که تقصیر، رکن اصلی ناروایی ادرار و سبب مسئولیت باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۸ش، ص ۱۹۹). مفهوم و نقش تقصیر در مسئولیت مدنی از مسائلی هست که به لحاظ عدم صراحت قوانین و مقررات مربوط از یک سو و قانونگذاری‌های مشتت و پراکنده از سوی دیگر همواره مورد اختلاف حقوقدانان بوده است (اصلائی، ۱۳۸۴ش، ص ۵۱). حسب ماده یک قانون مسئولیت مدنی، مسئولیت بر مبنای تقصیر استوار شده است. اما قانون مدنی الزاماً تقصیر خوانده را شرط تحقق مسئولیت ندانسته است. هر چند در حقوق ایران تقصیر مبنای منحصر مسئولیت نیست اما نقشی که در مسئولیت مدنی دارد قابل انکار نیست. نقش تقصیر در مسئولیت‌های مبتنی بر تقصیر، شرط تحقق مسئولیت مدنی است و در مسئولیت مطلق، باعث می‌شود تا زیان دیده، راه دیگری جهت اقامه دعوی بیاید و در مسئولیت‌هایی که قانون گذار تقصیر خوانده را مفروض می‌داند، زیان دیده، اصولاً نیازی به اثبات تقصیر جهت مطالبه خسارت ندارد (امینی، ۱۳۹۱ش، ص ۱). ذکر این نکته ضروریست که در حقوق مسئولیت مدنی اعم از مسئولیت مدنی قهری و قراردادی، رابطه سببیت لازم اثبات، از جمله ارکان است و بنا بر قواعد کلی حقوقی، بار اثبات وجود آن بر عهده مدعی است. اما جمعی از



حقوقدانان به استناد بعضی مواد قانونی، معتقدند این قاعده کلی هم مانند بسیاری از قواعد دیگر دارای استثناء است؛ بدین معنا که گاه به رغم ضرورت وجود رابطه سببیت، خواهان؛ نیازی به اثبات آن ندارد؛ زیرا قانون این رابطه را در برخی موارد، موجود و مفروض پنداشته است. در این قبیل موارد، بر عهده خواننده است که این رابطه مفروض قانونی را نفی کند. در غیر این صورت مسئول جبران خسارت زیان‌دیده خواهد بود. این نظر مورد مخالفت عده‌ای دیگر از حقوقدانان قرار گرفته که معتقدند رابطه سببیت برخلاف تقصیر هیچ‌گاه نمی‌تواند مفروض باشد و همواره باید توسط مدعی ورود ضرر به اثبات برسد (حاجی عزیزی، ۱۳۹۲ ش، ص ۴۲). با وجود اینکه تقصیر در تحقق مسؤلیت مدنی در بسیاری از صور نقش اساسی دارد با این وجود هیچ‌گاه بطور صریح از سوی قانونگذار به این امر اشاره نشده است، دلیل موضوع این است که قوانین ایران در بسیاری از موارد به شیوه رایج فقهی، مصداق محور بوده و به قاعده‌سازی نپرداخته است؛ لذا با توجه به مصادیق، در این خصوص قاعده‌ای کلی ارائه گردد. از منظر حقوقدانان در خصوص موضوع دو دیدگاه مطرح شده است: برخی معتقدند ضمان دائر بر مدار استناد فعل به فاعل است خواه تقصیری صورت گرفته باشد یا نه. از سوی دیگر مقنن در مواد مختلف ملاک ضمان را استناد دانسته و از سوی دیگر هنگام شک در شرطیت، چیزی (تفریط) اصل بر عدم شرطیت است. بنابراین به نظر می‌رسد اگر از دید عرفی استناد حادثه به عاملی احراز شود نیازی به شرط تقصیر نیست (صادقی، ۱۳۷۸ ش، ص ۸۰). نتیجتاً در ارتباط با تقصیر در مسؤلیت مدنی می‌توان چنین استنباط نمود که مستندات عقلی و به حکم عقل، هر انسانی مسئول افعال و رفتارهای خویش است (باوی، ۱۳۹۳ ش، ص ۷).

۲-۲- مسؤلیت‌های مبتنی بر تقصیر در قانون مدنی

قانونگذار نیز به پیروی از فقه به جای بیان قاعده کلی در خصوص شرطیت تقصیر برای ضمان به بیان مصادیق پرداخته است که از این جهت اشکال اساسی به قانون وارد است و لذا برای بررسی موضوع باید مصادیق مورد ارزیابی قرار گیرد. الف) تقصیر در مواد ۳۳۱ الی ۳۳۵ ق.م. جمع‌آوری شده است و لزوم وجود تقصیر را می‌توان از مواد ۳۳۴ و ۳۳۳ استنباط کرد زیرا مسؤلیت مالک نسبت به خساراتی که در نتیجه‌ی خراب شدن دیوار یا کارخانه به‌بار می‌آید، منوط به بی‌مبالاتی او شده است و در ماده ۳۳۴ مسؤلیت مالک یا متصرف حیوان منوط به تقصیر مالک در نگهداری حیوان شده است. ب) قانون مسؤلیت مدنی، در ماده اول، مسؤلیت را بر مبنای تقصیر محقق دانسته است. بدین معنا که ضرری که به دیگری وارد می‌شود، باید در نتیجه عمد یا بی احتیاطی صورت بگیرد.

پ) ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی است که صغیر یا مجنون یا غیررشید را در صورت ورود ضرر، ضامن می‌داند اما حسب ماده ۷ قانون مسؤلیت مدنی چنانچه سرپرست یا محافظ صغیر غیرممیز و مجنون، در نگهداری آنها کوتاهی کرده و مرتکب تقصیر شود، مسئول جبران خسارت وارده خواهد بود. در واقع مسؤلیت مبتنی بر تقصیر در این مورد



بر مسئولیت مطلق، مقدم شده است (بادینی، ۱۳۸۴ش، ص ۸۵).

۲-۳- آثار تقصیر در مسئولیت مدنی

اصل مسئولیت به طور کلی در روابط خصوصی افراد در جامعه امر پذیرفته شده‌ای است و ناشی از اصل عدالت خواهی و اخلاق فردی و اجتماعی و اصول و قواعد حقوقی است و این اصل حکم می‌کند که هر کسی به دیگری ضرری وارد کند باید از عهده جبران خسارت آن برآید. اگر هدف اصلی قواعد مسئولیت مدنی، جبران خسارت‌های مادی و معنوی زیان وارده باشد، هیچ یک از افراد جامعه از این قاعده مستثنی نخواهند بود. بر مسئولیت مدنی اشخاص، آثاری مفید و ارزشمند مترتب است؛ که لزوم جبران خسارت مادی و حتی در مواردی معنوی از زیان دیده نمونه بارز از چنین آثاری است (اقبال، ۱۳۹۵ش، ص ۲۲۳). لازم به ذکر است که هرگاه تقصیر زیان دیده (یا اقدام او در موردی که تقصیر شرط نیست) در وقوع خسارت وارد بر او دخالت داشته باشد، این امر موجب می‌شود که او از جبران آن بخش از خسارت، که منتسب به تقصیر (یا اقدام) او بوده است، محروم شود؛ مشروط بر اینکه بتوان خسارت ایجاد شده را به هر قابل انتساب، دانست. در فرضی که اقدام زیان دیده در نتیجه تقصیر عامل زیان صورت گرفته است، این امر تأثیری بر مسئولیت عامل زیان نداشته و او مسئول جبران تمام خسارت بر زیان دیده است. تقسیم مسئولیت بین زیان دیده و عامل زیان، بصورت تساوی است (کاظمی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۰۹).

۳- جایگاه و نقش تقصیر در مسئولیت کیفری

در این قسمت از پژوهش در تلاشیم تا به تبیین تقصیر در مسئولیت کیفری از منظر فقه و حقوق ایران پرداخته و مطالبی در این زمینه بیان نماییم.

۳-۱- تبیین تقصیر در مسئولیت کیفری

مفهوم تقصیرسویی می‌رود که به تعادل دو دارایی مرتکب و زیان دیده می‌انجامد؛ چهره نوعی می‌یابد و از مجازات خاص مرتکب جدا می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۸ش، ص ۱۹۹). می‌توان بیان نمود که تقصیر در حقوق کیفری در معنای عام و به استناد مبانی حقوق کیفری، عبارت است از تحقق قابلیت انتساب عمل به مرتکب و احراز مسؤولیت وی و در نتیجه تعلق مجازات به وی، چه در جرائم عمدی و چه در جرائم غیر عمدی. حال آنکه تقصیر به معنای اخص یا وصف عملی است که در آن پیش‌بینی و جانب‌گیری در حد عادت رعایت نشده است (بی‌احتیاطی)، یا وصف عارض بر کاری است که فاعل آن، ورود ضرر به غیر را احتمال می‌دهد، لکن لاقیدی در انجام عمل به خرج می‌دهد (بی‌مبالاتی)، یا عدم آشنایی با اصول و دقائق علمی و فنی کار معین و عدم اطلاع متعارف در حرفه‌ای (عدم مهارت)، یا رعایت نکردن هر دستوری است که دارای ضمانت اجرا باشد، اعم از قانون به معنای اخص و آیین‌نامه‌ها (عدم رعایت مقررات دولتی) و... تقصیر در حقوق جزا در معنای عام مترادف عنصر روانی است و شامل



عمد، غفلت و بی‌مبالاتی است (خدادی، ۱۴۰۰ش، ص ۸۶/ میرسعیدی، ۱۳۸۳ش، ج ۱، ص ۷۱). باید بیان نمود که عدالت اقتضا دارد که مکافات مجازات تقصیر باشد. بنابراین، می‌توان بیان نمود که در رابطه بین تقصیر و مسئولیت اگر مسئولیت مکافات تقصیر باشد باید هرچه تقصیر سنگین‌تر باشد مسئولیت نیز افزایش یابد. همچنین در فرضی رفتار چند تن سبب وقوع خسارتی شود در صورتی که مسئولیت مکافات تقصیر باشد مسئولیت به نسبت درجه تقصیر تقسیم می‌شود. همچنین اگر در فرضی رفتار چند تن سبب وقوع خسارتی شود مسئولیت به نسبت درجه تقصیر تقسیم شود. مضاف بر این، در صورتی که مسئولیت مجازات تقصیر باشد اضطرار باید مسئولیت را از بین ببرد چرا که اخلاق مضطر را گنهکار نمی‌بیند (کاتوزیان، ۱۳۸۸ش، ص ۲۰۶).

۲-۳- مسئولیت‌های مبتنی بر تقصیر در قانون مجازات

به نظر می‌رسد در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از نظرمبانی مسئولیت کیفری تحولی نو در حقوق کیفری رخ داده است. پیش از این مسئولیت کیفری مبتنی بر تقصیر صرفاً بعنوان استثناء پذیرفته می‌شد اما اکنون با توسعه نظریه تقصیر مواجه‌ایم. در ذیل مواردی از مسئولیت‌های مبتنی بر تقصیر در قانون مجازات بیان خواهد شد.

الف) ماده ۴۹۲ ق.م.ا با تأکید به این موضوع بیان می‌دارد: جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آن که به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود.

ب) قانون مجازات اسلامی ۹۲ در ماده ۴۹۵ به ضمان پزشک اشاره نمود و به نوعی روال سابق را دگرگون ساخت. ماده ۴۹۵ ق.م.ا بیان داشته است: «هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می‌دهد، موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن دیه است، مگر آن که عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا این که قبل از معالجه، برائت گرفته باشد و مرتکب تقصیر هم نشود.

پ) در برخی مواد این فصل به شرطیت تقصیر در ضمان سبب، اشاره شده است برای مثال ماده ۵۱۴ بیان می‌دارد: هر گاه در اثر علل قهری مانند سیل و زلزله مانعی به وجود آید و موجب آسیب گردد، هیچ کس ضامن نیست، گرچه شخص یا اشخاص تمکن برطرف کردن آنها را داشته باشند و اگر سیل یا مانند آن، چیزی را به همراه آورد و لکن کسی آن را جایی نامناسب مانند جای اول یا در جای بدتری قرار دهد که موجب آسیب شود، عهده‌دار دیه است و اگر آن را از جای نامناسب بردارد و در جهت مصلحت عابرین در جای مناسب‌تری قرار دهد ضامن نیست.

ت) همچنین ماده ۵۲۲ ق.م.ا مقرر داشته است: متصرف هر حیوانی، که از احتمال حمله آن آگاه است باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر تقصیر او حیوان مزبور به دیگری صدمه وارد سازد، ضامن است. ولی اگر از احتمال حمله حیوان آگاه نبوده و عدم آگاهی ناشی از تقصیر او نباشد، ضامن نیست.

ث) ماده ۵۲۳ از جهت شرطیت تقصیر در ضمان، ابهام آمیز می‌باشد. براساس این ماده هرگاه شخصی با اذن کسی که حق



اذن دارد، وارد منزل یا محلی که در تصرف اوست، گردد و از ناحیه حیوان یا شیء که در آن مکان است صدمه و خسارت ببیند، اذن دهنده ضامن است، خواه آن شیء یا حیوان قبل از اذن در آن محل بوده یا بعداً در آن قرار گرفته باشد و خواه اذن دهنده نسبت به آسیب رسانی آن علم داشته باشد، خواه نداشته باشد. برخی نویسندگان معتقدند در این فرض مالک تقصیری مرتکب نشده با این حال ضامن است (قیاسی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۱).

با این وجود در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تحولاتی در مبنا، ارکان، انواع و مصادیق مسؤولیت کیفری بر پایه نظریه تقصیر صورت گرفته است. برای احراز رابطه سببیت قانون گذار از پیش فرض مسؤولیت کیفری سبب مقدم در تأثیر عدول کرده و عنصر تقصیر را پایه‌ای برای احراز رابطه سببیت قرار داده است. همچنین قانون گذار مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی و مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر را به رسمیت شمرد. هرچند سابقاً در قوانین خاص، رگه‌هایی از این مسؤولیت دیده می‌شد اما اکنون با مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به عنوان یک قاعده عام پذیرفته شده است. در هردوی این مسؤولیت‌ها، نظریه تقصیر رکن اساسی توجیه کننده مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی و مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر است. البته امکان وقوع جرایم عمدی از ناحیه اشخاص حقوقی و نیز در بخش اول ماده ۱۴۲ ق.م.ا مسؤولیت مطلق و عینی متصور است ولی تکیه گاه این نوشتار بر بخش دیگر مبانی توجیهی مسؤولیت اشخاص حقوقی در جرایم غیرعمدی و همچنین ناظر به بخش دوم ماده ۱۴۲ ق.م.ا مبتنی بر مسؤولیت ناشی از تقصیر است (خدادی، ۱۴۰۰، ش، ص ۹۵).

۴- افتراق و اشتراک تقصیر در مسؤولیت مدنی و کیفری

در این قسمت در صدد هستیم تا به نقاط افتراق و اشتراک تقصیر در مسؤولیت مدنی و کیفری اشاره نموده و مطالبی در این زمینه بیان نماییم.

۴-۱- نقاط اشتراک

وجود تقصیر یکی از شروط لازم برای تحقق مسؤولیت کیفری و مدنی است. موضوع جنایات شبه عمد که نقطه اشتراک مسؤولیت کیفری و مدنی است (میرزایی، ۱۴۰۲، ص ۲۵). بنابراین می‌توان بیان نمود که نقطه آغازین هم‌گرایی میان مسؤولیت مدنی و کیفری در عناصر سازنده آن‌ها تبیین پذیر است. در حالی که در مسؤولیت مدنی، ایراد ضرر، وجود فعل زیان بار و احراز تقصیر زیان رساننده، موجب مسؤولیت وی می‌شود و در حقوق کیفری نیز وجود گزاره جرم انگار، ارتکاب رفتار مجرمانه و احراز سوءنیت شرط تحقق مسؤولیت کیفری است. مضاف براین، مصادیق مناسبات میان مسؤولیت مدنی و کیفری در قلمروی حقوق ماهوی در مجازات جنایات شبه عمد قابل ملاحظه هست. لذا دیه به عنوان مجازات جنایات شبه عمد با مفهوم مسؤولیت مدنی در یک راستا قرار می‌گیرد و مسؤولیت پزشک نیز متأثر از این دو نوع مسؤولیت است. در حقوق کیفری شکلی نیز دعوی جبران خسارت ناشی از جرم مصداق بارزی دیگر از تعامل میان مسؤولیت کیفری و مدنی است.



۴-۲- نقاط افتراق

مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی به عنوان دو مفهوم بنیادی در قلمروی رشته حقوق در غالب موارد در نقطه مقابل یکدیگر پنداشته شده‌اند. تقصیر در معنای عملی خود به معنای افراط و تفریط در مسئولیت کیفری خود را در قالب انجام با عدم انجام اوامر جزائی قانونگذار نشان می‌دهد. در واقع افراط و تفریط در مسئولیت مدنی نام تقصیر و در مسئولیت کیفری نام جرم بر خود می‌گیرد پس تقصیر در معنای عملی در هر دو نظام مسئولیت البته با عناوین متفاوتی وجود دارد که در مسئولیت کیفری از نقص قواعد اجرایی و انجام جرم و در مسئولیت مدنی از نقض تعهد قانونی یا قراردادی ناشی می‌شود (بادینی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۱۹). تقصیر در مسئولیت کیفری که اصطلاحاً از آن به تقصیر جزائی نام برده می‌شود؛ اصولاً در عنصر معنوی جرم هویدا می‌گردد. این امر در حالی است که تقصیر در مسئولیت مدنی اصولاً در عنصر مادی یا فعل زیان بار خود را نشان می‌دهد و ارتباطی با قصد و اراده فاعل زیان ندارد، چرا که در مسئولیت مدنی عقل و بلوغ و رشد شرط مسئولیت نیست و اصولاً با وضعیت ذهنی و روانی مرتکب زیان کاری نداریم. به عکس در مسئولیت کیفری که دایر مدار آن جرم است، یا سه عنصر اساسی (قانونی مادی و معنوی) روبرو هستیم. تقصیر در حقوق کیفری علی‌رغم اینکه رکن ایجاد جرایم عمدی نیست اما در ایجاد جرایم غیر عمد رکن است و بدون اثبات تقصیر جزایی که شامل بی احتیاطی و بی‌مبالاتی می‌بود، جرم غیر عمدی شکل نمی‌گرفت. به عکس مسئولیت مدنی که تقصیر در آن در هیچ یک از ابواب آن، رکن ایجاد مسئولیت نیست؛ بلکه فقط در بعضی موارد مثل تسبیب یا مسئولیت پزشک شرط استناد خسارت به مسبب خسارت است (شامبیاتی، ۱۳۷۵ش، ص ۵۱۸).



نتیجه‌گیری

علیرغم تعریف واحد از تقصیر توسط مقنن و حقوق دانان؛ جایگاه تقصیر در نظام‌های مسئولیت مدنی و کیفری اقتضاء برخوردهای متفاوتی از آن را دارد که در مسئولیت مدنی با وجود این که فقهای متقدم، اعتقاد به رکن بودن آن در فعل زیان بار داشته‌اند. به همین جهت اثبات عدم تقصیر اصولاً باعث زوال مسئولیت نمی‌شود و متعهد صرفاً با اثبات فقدان رابطه سببیت می‌تواند از مسئولیت رهایی یابد؛ اما در مسئولیت کیفری تقصیر جزائی، رکن اصلی عنصر روانی جرائم غیرعمدی است که این نوع تقصیر شامل بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است به گونه‌ای که بدون اثبات آن هیچ یک از دو نوع مسئولیت قابل تحقق نمی‌باشد. بنابراین، هر گاه تقصیر و بی‌احتیاطی و خطا در انجام رفتار شخص بر اثر ندانم کاری و عدم آگاهی باشد، مسئولیت به صورت کیفری خواهد بود و در این حالت شخص زیان دیده باید تقصیر زیان زنده را اثبات نماید و لیکن در جایی که در بین اشخاص، قراردادی موجود است در حوزه مسئولیت مدنی دیگر شخص متضرر از خسارت، نیازی به اثبات تقصیر ندارد و دارا بودن قرارداد بین طرفین افاقه می‌نماید و تقصیر به خودی خود اثبات شده تلقی می‌گردد. در ارتباط با اشتراک مسئولیت مدنی و کیفری با نقش پردازی تقصیر می‌توان بیان نمود وجود تقصیر یکی از شروط لازم برای تحقق مسئولیت کیفری و مدنی است. موضوع جنایات شبه عمد که نقطه اشتراک مسئولیت کیفری و مدنی است. نقطه آغازین هم‌گرایی میان مسوولیت مدنی و کیفری در عناصر سازنده آن‌ها تبیین پذیر است. در حالی که در مسوولیت مدنی، ایراد ضرر، وجود فعل زیان بار و احراز تقصیر زیان رساننده، موجب مسئولیت وی می‌شود، در حقوق کیفری نیز وجود گزاره جرم انگار، ارتکاب رفتار مجرمانه و احراز سوءنیت شرط تحقق مسوولیت کیفری است. مضاف براین، مصادیق مناسبات میان مسئولیت مدنی و کیفری در قلمروی حقوق ماهوی در مجازات جنایات شبه عمد قابل ملاحظه هست. لذا دیه به عنوان مجازات جنایات شبه عمد با مفهوم مسئولیت مدنی در یک راستا قرار می‌گیرد و مسئولیت پزشکی نیز متأثر از این دو نوع مسئولیت است. در حقوق کیفری شکلی نیز دعوای جبران خسارت ناشی از جرم مصداق بارزی دیگر از تعامل میان مسئولیت کیفری و مدنی است.



منابع و مأخذ:

- ارجمند دانش، جعفر، (۱۳۸۸ش)، ترمینولوژی حقوق جزای اسلامی، تهران: انتشارات بهبهانی.
- اصلانی، حمیدرضا، (۱۳۸۴ش)، مفهوم و جایگاه تقصیر در مسئولیت قراردادی و قهری، مجله الهیات و حقوق، شماره ۱۵.
- اقبالی، میثم، (۱۳۹۵ش)، مسئولیت مدنی و مصادیق آن، تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره ۶.
- امامی، حسن، (۱۳۷۸ش)، حقوق مدنی، تهران: انتشارات اسلامی.
- امینی، عیسی، (۱۳۹۱ش)، نقش تقصیر در مسئولیت مدنی و مقایسه با حقوق کامن لا، تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۱۸.
- بابایی، ایرج، (۱۳۹۹ش)، مفهوم مسئولیت مدنی، مجله دانشنامه‌های حقوقی، شماره ۶.
- بادینی، حسن، (۱۳۸۴ش)، فلسفه مسئولیت مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- باوی، محمود، (۱۳۹۳ش)، مقایسه تقصیر در مسئولیت مدنی و کیفری، پژوهش حقوقی، شماره ۲.
- بجنوردی، محمد حسن، (۱۳۷۱ش)، قواعد فقهی، قم: موسسه اسماعیلیان.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۷ش)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: بنیاد راستا.
- حاجی عزیزی، بیژن، (۱۳۹۲ش)، فرض سببیت در مسئولیت قراردادی، مجله مفید، شماره ۱۰۰.
- خدادی، ابوالقاسم، (۱۴۰۰ش)، بسط نظریه تقصیر در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مجله فقه جزای تطبیقی، شماره ۱.
- شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۷۵ش)، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات ژوبین.
- صادقی، هادی، (۱۳۷۸ش)، جرائم علیه اشخاص، تهران: انتشارات میزان.
- صانعی، پرویز، (۱۳۷۱ش)، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات گنج دانش.
- عباسی، عاطفه، (۱۳۹۷ش)، متولی بار اثبات موانع تحقق مسئولیت کیفری در نظام حقوقی ایران، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۴۸.
- عمید، حسن، (۱۳۵۷ش)، فرهنگ عمید، تهران: انتشارات جاویدان.
- قیاسی، جلال الدین، (۱۳۹۴ش)، تسبیب در قوانین کیفری، تهران: انتشارات جنگل.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۸ش)، تحول تقصیر در مسئولیت مدنی، مجله حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۰ش)، الزامات خارج از قرارداد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاظمی، محمود، (۱۳۸۴ش)، آثار تقصیر زبان دیده بر مسئولیت مدنی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، شماره ۲۸.
- محسنی، فرید، (۱۳۹۸ش)، تأثیر مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی، تحقیقات حقوقی، شماره ۸۶.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۱۶ق)، القواعد الفقهیه، قم: مدرسه امام علی ابن ابیطالب علیه السلام.
- میرسعیدی، سیدمنصور، (۱۳۸۳ش)، مسؤولیت کیفری، تهران: نشر میزان.



Analysis and Comparison of the Role and Position of Fault in Criminal and Civil Liability

Abstract:

Iranian statutory law and its major legal rules and regulations are influenced by the role of fault in criminal and civil liability. Since a person is required to be accountable for violating the rights of others, whether it is done for violating civil or criminal rights, the processing of the role and position of fault in criminal and civil liability is evident. The research aims to compare fault in criminal and civil liability and, using a descriptive-analytical method, is trying to express the points of difference and commonality of fault in criminal and civil liability. The conclusion is that in relation to the commonality of civil and criminal liability, it can be stated that the existence of fault is one of the necessary conditions for the realization of criminal and civil liability. In addition, the issue of quasi-intentional crimes is considered a common point of criminal and civil liability. The point of difference between fault in civil and criminal liability is that whenever the fault, negligence, and error in a person's behavior is due to ignorance and lack of awareness, the liability will be criminal, and in this case, the injured party must prove the fault of the person who caused the damage. However, where there is a contract between individuals, in the field of civil liability, the person who suffered the damage does not need to prove fault. And the existence of a contract between the parties is clear and the fault is considered proven by itself.

Keywords: fault, responsibility, civil liability, criminal liability.